

لوح جمال ۱

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



یکی از الواح خطاب به جمال (۱) - حضرت بهاء الله

قوله تعالی:

بحروحي که در قلم اعلى مستور است بصورت این کلمات ترشح فرموده بچشم ظاهر مشاهده نمودی ای جمال بمقرّ
اقدس وارد شدی و بمنظر اکبر فائز گشتی امواج بحر معانی الهیه را و کلمات تامّات که هر یک مخزن لثالی
حکمت و بیان بود بگوش خود اصغا کردی و فیوضات منبسطه رحمانیه و رحمت واسعة الهیه را نسبت بکلّ بریه
بقدریکه عرفان آن ممکن است علی ما ینبغی لک ادراک نمودی. ای جمال الیوم باید بحبّت و مرحمت و
خضوع و خشوع و تقدیس و تنزیهی ظاهر شوید که احدی از عباد از اعمال و افعال و اخلاق و گفتار شما
روائح اعمال و گفتار امم قبل استشمام نماید که بمجرد استماع کلمه ای یکدیگر را سبّ و لعن مینمودند. انا خلقنا
النفوس اطوارا بعضی در اعلى مراتب عرفان سائرند و بعضی دون آن. مثلا نفسی غیب منیع لا یدرک را در
هیكل ظهور مشاهده مینماید من غیر فصل و وصل و بعضی هیكل ظهور را ظهور الله دانسته و اوامر و نواهی او
را نفس اوامر حقّ میدانند این دو مقام هر دو لدی العرش مقبول است. و لکن اگر صاحبان این دو مقام در
بیان این دو رتبه نزاع و جدال نمایند هر دو مردود بوده و خواهند بود چه که مقصود از عرفان و ذکر اعلى
مراتب بیان جذب قلوب و الفت نفوس و تبلیغ امر الله بوده و از جدال و نزاع صاحبان این دو مقام تزییع امر
الله شده و خواهد شد لذا هر دو بنار راجعند اگر چه بزعم خود باعلى افق عرفان طائرند. ای جمال غیب منیع
لا یدرک ینوح و یبکی چه که استشمام نینماید آنچه را که الیوم محبوبست اهل حقّ باید باخلاق او ظاهر شوند
انه هو ستار العیوب و علام الغیوب و غفار الذنوب. امروز روزیست که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنایت
مشرق و سحاب جود مرتفع باید نفوس پزمرده را بنسائم محبّت و مودّت و میاه مرحمت تازه و خرم نمود. احبّای
الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند باید بقسمی خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر
شود که ذرات تراب آن محل شهادت دهند بخلوص آن جمع و جذبه بیانات روحانیه آن انفس زکیّه ذرات آن



ORIGINAL



AUDIO

تراب را اخذ نماید نه آنکه تراب بلسان حال ذکر نماید انا افضل منکم چه که در حمل مشقات فلاحین صابرم و بکل ذی روح اعطای فیض فیاض که در من ودیعه گذارده نموده و مینمایم مع همه این مقامات عالیه و ظهورات لا تحصی که جمیع ما محتاج وجود از من ظاهر است باحدی نخر نموده و مینمایم و بکمال خضوع در زیر قدم کل ساکنم. ملاحظه در علماء و عرفای قبل نمائید مع آنکه در هوای توحید طائرند و بذکر مراتب تجرید و تحمید ناطق کلمه ای از آن نفوس لدی الکلمه مقبول نیفتاد و نفسیکه از تکلم لفظ کلمه توحید عاجز بود چون بمقرّ ظهور موقن شد اعمال نکرده اش مقبول شد و ثنای نگفته اش محبوب افتاد فاعتبروا یا اولی الابصار. قسم بامواج بحر معانی که از ابصار مستور است که احدی قادر بر وصف این ظهور اعظم علی ما هو علیه نبوده و نیست لذا باید کل با یکدیگر برفق و مدارا و محبت سلوک نمایند و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند. اصل الیوم اخذ از بحر فیوضاتست دیگر نباید نظر بکوچک و بزرگی ظروف باشد یکی کفی اخذ نموده و دیگری کاسی و همچنین دیگری کوبی و دیگری قدری امروز نظر کل باید باموری باشد که سبب انتشار امر الله گردد. حق شاهد و گواه است که ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست اجتنبوا بقدره الله و سلطانه ثم القوا بین القلوب باسمه المؤلف العظیم الحکیم. از حق جلّ جلاله بخواهید که بلذت اعمال در سبیل او و خضوع و خشوع در حبّ او مرزوق شوید از خود بگذرید و در سائرین نگرید منتهای جهد را در تربیت ناس مبذول دارید. امری از حق پوشیده نبوده و نیست اگر برضای حق حرکت نمایند بفیوضات لا تنهایی فائز خواهند شد اینست کتاب مبین که از قلم امر ربّ العالمین جاری و ظاهر شد تفکروا فیما نزل فیه و کونوا من العالمین. نفسیکه الیوم من عند الله مأمورند بتبلیغ امر و تخصیص داده شده اند بعنایات مخصوصه او کل باید نسبت بایشان خاضع باشند چه که آن خضوع لله واقع میشود چون بامر حقّست بحق راجعست و لکن آن نفسیکه تخصیص داده شده اند باید کمال اتحاد مابینشان مبرهن و ظاهر باشد دیگر در ایچ عرفان و مراتب آن نفوس عند الله مشهود بوده و خواهد بود. کذلک اوقدنا سراج البیان بین الامکان طوبی لمن اقتبس من مشکاته و استضاء بانواره انه من الفائزین المکرّمین و الحمد لله ربّ العالمین.